

علی دشتی



* علی دشتی یکی از چهره‌هایی است که نوشتن سرگذشت او نیاز به بررسی‌های گسترده‌ای دارد.
- از آنجا که روز درگذشت او نزدیک است، برای آگاهی ایراندوستان کوتاه‌واره‌ای از زندگی او را پیشکش می‌کنم.

* **علی دشتی** یکی از نویسندگان و روزنامه‌نگاران برجسته و جنجالی ایران بود.
- **علی دشتی** را می‌توان مردی هزار چهره نامید.
- به هنگام پادشاهی **پهلوی**‌ها از بازیگران سرشناس آن روزگاران بود.
- یکی از نوشته‌های او که هیاهوی بسیاری برپا کرد، ۲۳ سال نام دارد.

* **علی دشتی** در **کربلا** در خانواده‌ای ایرانی چشم به جهان گشوده است.
- پدرش شیخ **عبدالحسین دشتستانی** پیشوای دین و مردی خوش نام بود.
- **علی دشتی** ۲۴ سال داشت که خانواده‌اش از **کربلا** رخت بر بسته و به **ایران** کوچ کرده و در استان **بوشهر** جاگیر و پا گیر شدند.



علی دشتی در پوشاک آخوندی

- **علی دشتی** در نوجوانی آموزش‌های دینی را گذرانده و پوشاک آخوندی بر تن می‌کرده است.
- **علی دشتی** سپس ترها عبا و عمامه آخوندی را به کناری نهاده و از هواداران دگرگون شدن پوشاک مردان شد.

- **علی دشتی** آن روزی که پیشنهاد یکی شدن پوشاک مردان به رای گذاشته شد را (چهارم دی ماه) روزی خجسته نامیده و در سخنان خود در گزیستان (مجلس شورا) در این باره چنین گفت:

«الان شما به خوزستان تشریف ببرید دیگر عربی با چغیه و عقال نمی‌بینید همه کت و شلوار پوشیده‌اند همه آدم شده‌اند. بنده عقیده دارم که شکل چغیه و عقال در ایران شکل آدم نیست و هم مخالف ملیت ماست»

* **علی دشتی** یکی از روزنامه نگارانی بود که دیدگاه های خود را، در باره ی سیاست آن زمان بی پرده، می نوشت.

- یک بار نوشته ای را نوشت که بر پایه ی نوشته ی **رکن زاده آدمیت**:

« عامه نپسندیدند و هیاهویی راه انداخت. و اراده قتلش کردند.»

از اینرو **علی دشتی** در خانه ی **عبدالحسین میرزا فرمانفرما** پناهنده شد و با پشتیبانی او، پنهانی راهی **سپاهان** شد. پس از چندی به تهران رفت..

- **علی دشتی** در تهران سرگرم نوشتن و پخش شب نامه ها شد. نوشته های او بسیار تند بوده و بیشتر سر ناسازگاری با **وثوق الدوله** را داشت. **وثوق الدوله** نوشته های پر هیاهوی این جوان دشتستانی را برنناخته و دستور می دهد او را از ایران بیرون کرده و به **کریلا** بفرستند. **دشتی** پس از چند روز بازداشت و به مرز ایران فرستاده شد. **دشتی** را پیاده و در هوای بسیار گرم به **قزوین** می بردند که در راه بیمار شده و به ناچار سه هفته در **قزوین** می ماندند.

* در نهم ماه اوت سال ۱۹۱۹ دولت **وثوق الدوله** در تهران پیمان نامه ای را دستینه کرد به نام پیمان نامه ی ۱۹۱۹.

یکی از کسانی که با این پیمان نامه سر ناسازگاری برداشت **علی دشتی** بود.

(**پیمان نامه ی ۱۹۱۹**، **پیمان نامه ایست که در سال ۱۲۹۸ خورشیدی (۱۹۱۹ تریسای)** میان دولت های **ایران و بریتانیا** بسته شد.

برای دستینه کردن این پیمان نامه هفت ماه، میان دولت **بریتانیا و وثوق الدوله**، گفتگوهای پنهانی انجام گرفته و با پرداخت چهارصد هزار تومان **رشوه** به **وثوق الدوله** دستینه شد. این پیمان نامه در تاریخ **ایران** به پیمان نامه ی ۱۹۱۹ شناخته شده است.

- برپایه ی این پیمان نامه کم و بیش سرپرستی همه ی کارهای کشوری و لشگری ایران با ریزنان (مستشاران) انگلیسی بود و با پروانه ی آنان انجام می گرفت.)

- خوشبختانه با ناسازگاری و واکنش های تند ایرانیان و اینکه این قانون با قانون اساسی مشروطه همخوانی ندارد، هرگز انجام نشد.

- **دشتی** در **قزوین** بود که دولت **وثوق الدوله** فروافتاد و چند روز پس از او **میرزا حسن خان مشیرالدوله** نخست وزیر ایران شد.

* **علی دشتی** هرگز همسری برای خود برنگزید.

* در بهمن ماه سال ۱۳۲۸ بود که نخستین مهستان (مجلس سنا) ایران برپا شد.

- **علی دشتی** در سال ۱۳۳۲ نماینده ی مهستان شد و تا پایان سامانه ی **پهلوی**، به درازای ۲۶ سال نماینده مهستان بود.

* برپایی **دانشسرا** (دارالمعلمین و دارالمعلمات) برای بانوان در مهستان پیشنهاد شد.

علی دشتی که در آن زمان نماینده ی **بوشهر** بود و با این پیشنهادنامه (لایحه) سر ناسازگاری برداشت و گفت:

«بعضی مدارس دخترانه یک پروگرامهایی خیلی بی‌معنی دارد. در مدارس متوسطه دخترانه یک قسمت ریاضیاتی دارد که [ریاضیات] عالی درس می‌دهند و این برای کسانی است که فردا بخواهند مهندس بشوند. جبر و مقابله، تناسب، لگاریتم درس می‌دهند. اینها یعنی چه؟ بنده مکرر دخترهای پانزده، شانزده ساله را دیده‌ام بعضی اوقات به پدران‌شان متوسل شده‌اند که مسایل ریاضی را برای‌شان حل کنند، در صورتی که یک دختر هیچ وقت محتاج به ریاضیات عالی نیست. اول باید فکر کنیم که دختر را برای چه مدرسه می‌فرستیم. برای این که وقتی بیرون می‌آید، بچه‌داری خوب بتواند بکند، خانه‌داری خوب بلد باشد، معلومات داشته باشد که آن معلومات را از طفولیت و از شیرخوارگی به بچه یک ساله تا وقتی که مهیای مدرسه می‌شود، بیاموزد. برای اینهاست. ملاحظه فرمایید یک دختر مثلثات و جبر و مقابله می‌خواهد چه کند؟ و فایده‌اش چیست و در عوض اگر مناز (خانه‌داری) و طباشی به آنها خوب یاد بدهند، لباس‌دوزی به آنها خوب یاد بدهند، موسیقی به آنها یاد بدهند، این خیلی به‌مراتب بهتر است.»

کسی در مجلس با سخنان **دشتی** مخالفتی نکرد

* در زمان پادشاهی **رضاشاه** بزرگ و به دستور او بود که **فرهنگستان** یکم برپا شد.

- این **فرهنگستان** توانست بسیاری واژه های ایرانی را جایگزین واژه های بیگانه، به ویژه عربی کند.

- **علی دشتی** یکی از کسانی بود که با برخی واژه های **فرهنگستان**، از آن میان با واژه های ارتش - ارتشتاران و تیمسار سرناسازگاری داشت. در این باره سخنانی در مهستان گفت بدینگونه:

«وقتی که به جای این کلمه می‌فرمایید بزرگ‌ارتشتاران فرمانده، بنده که خیال می‌کنم زبان ارمنی صحبت

می‌کنند و وارد کردن این نوع کلمات قلمبه و سنگین در زبانی که سرتاسرش به آهنگ موسیقی بیان می‌شود و دارای هارمونی است چه لزومی دارد؟ ... اصلاً خود کلمه ارتش که ریشه صحیح ندارد ... آیا در تمام کتب لغت فقط در برهان قاطع یکجا نوشته شده ارتشتاران؟ آیا در جای دیگر یک کلمه ارتش ذکر شده است؟ در تمام آثار گویندگان فارسی‌زبان من جمله شاهنامه، این کتاب بزرگ جلیل‌القدر کلمه ارتش ذکر نشده. آخر چرا این کلمه را استعمال می‌کنید به جای لشکر؟ شما چرا سپاه استعمال نمی‌کنید؟ شما سرهنگ، سرلشکر، سپهبد، سرتیپ و سایر واژه‌ها، سالار، سردار و غیره دارید اینها را ول کرده‌اید رفته‌اید کلمات بیجایی را اختراع کرده‌اید؟».

* سرانجام در یازدهم نوامبر ۱۹۱۸ جنگ پایان پذیرفت.

- اندکی پس از رسیدن متفقین به ایران، رضاشاه بزرگ ناچار شد در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ خورشیدی، از پادشاهی کناره‌گیری کند.

- رضاشاه بزرگ به خواست بیگانگان، که زورشان می‌چربید، و برای پیشگیری از ویرانی سرزمینی که برای آبادانی آن جانفشانی‌ها کرده بود، به خواست آنان تن در داده، مهر خاموشی بر لب زده، ایرانش را گذاشت و گذشت.

* در آن زمان (دوره ی دوازدهم) همه ی نمایندگان گریستان برگزیدگان رضاشاه بزرگ بودند.

- نخستین نماینده ای که سخن گفت علی دشتی بود

- علی دشتی که رنجشی ژرف از رضاشاه بزرگ به دل داشت و همزمان می خواست سایه ای بر پیشینه ی خویش بیندازد، آن شوم روز را برگزید که کاشت و داشت و برداشت رضاشاه بزرگ را زیر پرسش ببرد.

او خواستار رسیدگی به بود و نبود گوهرهای پادشاهی (جواهرات سلطنتی) شد.

او این برچسب ناروا را به رضاشاه بزرگ زده بود که ایشان مشتکی از گوهرهای پادشاهی را ربوده و با خود می برد؟!

* پس از شورش اسلامیون و برپایی جمهوری اسلامی، علی دشتی دو بار بازداشت شد. بار نخست یک ماه در زندان بود.

بار دوم به گناه نوشتن ۲۲ سال دستگیر و زندانی شد.

این بار چون هم پیر شده و هم پایش شکسته بود، چندان در زندان نماند.

* علی دشتی اندکی پس از بیرون آمدن از زندان در ۲۶ دی ماه ۱۳۶۰ در بیمارستان جم در ۸۷ سالگی در گذشت.

گردآورنده : ژاله دفتریان

دی ماه ۲۵۸۱ ایرانی

ژانویه ۲۰۲۳ ترسایبی